

تحلیل و بررسی منابع حجیت در آئین هندو

akbar.hosseini37@yahoo.com

سید اکبر حسینی قلعه بهمن / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷

چکیده

در آئین هندو، برای به دست آوردن دیدگاه و یا حکمی، راهی بسیار دشوار را باید طی کرد؛ زیرا ابتدا باید به متون مقدس این آئین، که خود از کثرت و تنوعی شگرف برخوردارند، مراجعه و سپس، به مکتب‌های فلسفی و مهمی که در ذیل این آئین ساخته و پرداخته شده‌اند، رجوع کرد. سرانجام، رجوع به دیدگاه اندیشمندان، مصلحان و افراد تأثیرگذار در این آئین ضروری است. پس از طی این مسیر، محقق باید با بیان تنوع دیدگاه موجود در این آئین، اعلان کند که یافته او، به چه دوره از ادوار آئین هندو نظر دارد؛ از کدام متن مقدس به دست آمده؛ چه مکتب فلسفی‌ای از آن حمایت می‌کند و چه افراد شاخصی آن را تأیید می‌کنند. به طور قطع این مسیر بسیار دشوار و مطلب به دست آمده نیز فاقد پذیرش همگانی است. این نوشتار، بر آن است به اجمال، به این منابع نظر افکند و تحلیلی راجع به آنها ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: وده، براهمنه‌ها، مکاتب فلسفی هند، بره‌ماسماج، آریاسماج.

در تحلیل و بررسی ادیان و آئین‌های گوناگون، اولین نقطهٔ عزیمت، شناسایی منابع حجیت و وثاقت آنهاست. با به دست آوردن منابع حجیت آنها، باید به تحلیل محتواهای به‌دست‌آمده از این منابع پرداخت. از این‌رو، دانستن منابع حجیت در ادیان و آئین‌های مختلف، از اهمیت والا‌یی برخوردار است. آئین هندو، یکی از عجیب‌ترین آئین‌های موجود عالم است. این آئین در طول حیات چند هزار سالهٔ خود، دوران‌ها و مقاطع گوناگونی را سپری کرده و صورت‌ها و اشکال گوناگونی از خود ارائه کرده است. این آئین به گونه‌ای است که می‌توان آن را چند آئین خواند. این تنوع در طول و عرض زمان چشمگیر است. بر این اساس، وجود باورها، اعتقادات، احکام و شعائر کاملاً مخالف هم در هندوئیسم کاملاً طبیعی است و رسیدن به یک دیدگاه واحد در موارد ذکرشده، بسیار دشوار و گاه ناممکن می‌نماید.

«هندوئیسم، به آن معنایی که مسیحیت، اسلام و یا یهودیت دین شناخته می‌شوند، دین تلقی نمی‌گردد. این آئین، توسط هیچ شخص و یا گروه خاصی از انسان‌ها، به عنوان یک واحد اعتقادی و عملی، بنیان‌گذاری نشده است. این آئین، یک اعتقاد و یا آموزهٔ دینی محوری ندارد و دارای هیچ شخص واجد مرجعیت و اتوریتهٔ دینی نیست. هندوئیسم، دارای یک متن مقدس محوری و یا دسته‌ای از متون مقدس اصلی مشابه و قابل قیاس با کتاب مقدس و یا قرآن نیست. هندوئیسم به‌عنوان یک واژه و اصطلاح جامعی که تقریباً به‌تازگی مطرح شده، شامل اعتقادات متنوع، سنت‌های مبتنی بر نص (متن) (Textual Traditions)، چهره‌های دینی دارای اعتبار و گروه‌ها و سازمان‌های دینی، می‌شود. از این‌رو، بسیار دشوار است که این اصطلاح را در یک معنای قاطع و صریحی مورد استعمال قرار دهیم.» (واریر، ۲۰۰۶، ص ۱).

در این آئین، برای به‌دست آوردن دیدگاه و یا حکمی، راهی صعب و دشوار را باید پشت سر گذاشت. در گام اول، باید به متون مقدس این آئین که خود از کثرت و تنوعی شگرف برخوردارند مراجعه کرد. سپس، لازم است به مکتب‌های فلسفی و مهمی که در ذیل این آئین ساخته و پرداخته شده‌اند رجوع کرد. در نهایت رجوع به دیدگاه اندیشمندان، مصلحان و افراد تأثیرگذار در این آئین ضروری است. هنگامی که این مسیر طی شد، محقق باید با بیان تنوع دیدگاه موجود در این آئین اعلان دارد که یافتهٔ او، به چه دوره از ادوار آئین هندو نظر دارد؛ از کدام متن مقدس به‌دست آمده است؛ چه مکتب فلسفی‌ای از آن حمایت می‌کند و چه افراد شاخصی پای آن را امضا می‌کنند. به طور قطع این مسیر بسیار دشوار و مطلب به‌دست‌آمده، فاقد پذیرش همگانی است.

با توجه به این موضوع، برای به‌دست آوردن تعالیم هندوئی، منابع و مراجع مختلفی وجود دارد. در یک توالی این منابع عبارتند از: ۱. متون مقدس (منزل و بشری)؛ ۲. مکتب‌های فلسفی ذیل این آئین؛ ۳. جریان‌های تأثیرگذار در حرکت این آئین (مانند کناره‌گیری و عزلت‌نشینی هندوها در دورهٔ اوپه‌نیشادها و یا نهضت‌های براهمو سماج و آریا سماج)؛ ۴. اندیشمندان، مصلحان و چهره‌های تأثیرگذار در این آئین. روشن است تنوع منابع و مراجع به دست

آوردن تعالیم در هر آئینی، موجب بروز تعارضات و آراء مختلف در موضوعات مورد بررسی می‌گردد. آئین هندو هم از این قاعده مستثنا نیست. از این رو، در هر موضوعی به دشواری می‌توان به آراء یکسان در این آئین دست یافت. افزون بر این، این آئین، علی‌رغم تنوع و گستردگی اعتبار منابع خود، دچار مشکل است. بایسته است پژوهشگران در تحقیقات خود به این مهم توجه خاص داشته باشند.

در اینجا به صورت بسیار گذرا به این منابع اشاره می‌کنیم و به اجمال به بررسی این مهم در آئین هندو می‌پردازیم.

متون مقدس آئین هندو

علی‌رغم گستردگی و تنوع متون دینی آئین هندو، می‌توان این متون را در یک تقسیم‌بندی اجمالی، به دو دسته تقسیم کرد:

۱. منزل (شروتی (śruti) که در نظر آنها مبدئی مافوق بشری دارند. همانند وده‌ها.

۲. بشری و زمینی (سمرتی (smṛiti) که در دیدگاه آنها، این متون ساخته بشر زمینی است (ر.ک: موحدیان عطار، ۱۳۸۴).

شروتی‌ها

«شروتی» واژه‌ای سنسکریت به معنای «مسموع و شنیده شده» است (لوکفلد، ۲۰۰۲b، ص ۶۴۵). این متون به یک معنا وحیانی‌اند، اما طبق آنچه که با نظام اعتقادی هندو سازگارتر است، به این معنا که خدایی آنها را گفته و بر پیامبری وحی کرده است، نیست. به اعتقاد هندوها، صداهای کیهانی حقیقت که از ازل وجود داشته، به سمع رشی‌ها یعنی فرزندان و رازبینان باستان رسیده است. آن‌گاه این دانش مقدس را رشی‌ها، نسل به نسل در خاندان‌های برهمنی منتقل کرده‌اند. بعدها این آموزه‌ها، به صورت مکتوب درآمدند و در قالب متون مقدس سامان یافتند (ر.ک: موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص ۲۵). شروتی فقط شامل وده‌ها (به معنای عام کلمه) است. اما وده‌ها، در اصطلاح عام، خود شامل چهار دسته متن‌اند: سمهیتاها (Samhitā)، برَاهْمَنَه‌ها (Brahmanas)، آرَنیکه‌ها (Araṇyaka) و اوپه‌نیشدها (لوکفلد، ۲۰۰۲c، ص ۶۴۵).

«سمهیتا»، عنوان عامی است که به متون مجموعه‌وار اطلاق می‌گردد. هرچند معمولاً وقتی از سمهیتاها سخن می‌گویند، مراد چهار متن مهم و اولیه به نام‌های ریگ وده (R̥g Veda)، سومه وده (Sama Veda)، یَجور وده (Yajur Veda) و آتَهروَه وده (Atharva Veda) است. این متون را «وده» نیز می‌خوانند. «وده»، در لغت به معنای «دانش» است. چهار وده در پهنه تاریخی وسیعی، از ۱۵۰۰ تا ۸۰۰ ق.م. شکل گرفته‌اند تا نیازهای دینی و آیینی آریاییانی را که به هند کوچیده بودند، برآورده سازند. در حقیقت این متون انعکاسی از دین و فرهنگ آریایی‌اند.

این متون، به عنوان پایه و اساس تعالیم دینی آئین هندو محسوب شده، پذیرش آنها به عنوان متون مقدس و دینی ملاک هندو بودن و یا نبودن است. یک هندو، وقتی اعتبار و حجیت این متون را پذیرفت، در زمره هندوها

قرار می‌گیرد. اما اگر اعتبار آنها را نادیده گرفت، از زمرهٔ هندوها خارج می‌گردد. اعتبار این متون، به حدی است که ریشه همهٔ تعالیم هندو محسوب می‌گردند. وده‌ها در شکل‌گیری الهیات هندوئی نقشی اساسی دارند. برای نمونه، اندیشه‌های هنوئیستی را می‌توان در رگ وده، که بیش از ۱۰۲۸ سروده را در خود جا داده است، یافت؛ افکاری که هنوز به نوعی در آئین هندو دیده می‌شود و رواج دارد (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۸۰). و یا در یجور وده، سروده‌ها و اشعار و ترانه‌های مذهبی، که در مراسم مذهبی خوانده می‌شد، به وفور دیده می‌شود و یا در سومه وده، هم در راه و رسم پرستش خدایان و تهیه و تدارک شراب مقدس، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است (همان). آتھرو وده، گرچه بعدها به سه وده نخست افزوده شده است، اما بخشی از منابع دینی هندو شده و جایگاهی در حد آن سه وده قبلی به دست آورد. در این وده، طلسمات و تعویذهایی برای دفع بیمارها و دفع بلاها دیده می‌شود. اعتبار این وده، به حدی است که بعدها ریشهٔ طب سنتی هندی (Ayurveda) گردید. همچنین در این کتاب، اشعاری در باب آفرینش جهان دیده می‌شود که به نوعی به مفهوم وحدت الوهی در این سنت اشاره دارد که می‌توان اندیشه‌های وحدت وجودی را در آن به گونه‌ای مشاهده کرد (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۸۰).

براهمنه‌ها (Brahmanas): براهنه‌ها مجموعه نوشته‌های پرجمی است که در مدتی طولانی (۸۰۰ تا ۳۰۰ ق.م) به هریک از وده‌های چهارگانه ضمیمه شده است، از این رو، جزء متون وده‌ای (در معنای عام کلمه) به‌شمار می‌رود. ریگ وده، دارای دو براهنه و یجور وده، سامه وده، و آتھرو وده، به ترتیب دارای دو، هشت و یک براهنه‌اند. براهنه‌ها، چنان‌که نامیده‌اند، برای راهنمایی متخصصان و متولیان آئین، در انجام صحیح مناسک و مراسم عبادی فراهم آمده است (شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۶). در این متون، با شرح و تفصیل فراوان به جزئیات مربوط به این مناسک پرداخته و معانی رمزی آنها را توضیح داده‌اند. علاوه بر این، در براهنه‌ها، که در میان متون غیرشعری سنسکریت قدیمی‌ترین محسوب می‌شود، نمونه‌های مختصر و موجزی از اساطیر متون بعدی هندویی (مانند پورانه‌ها)، به چشم می‌خورد که بعدها گسترش یافته‌اند. براهنه‌ها، خود با دو گروه آرنیکه‌ها و اوپه‌نیشادها حمایت می‌شوند و در پی آنها این دو گروه متن مقدس می‌آید (لوکدفلد، ۲۰۰۲b، ص ۱۲۳).

واژه «براهمنه»، از واژه‌های مهم در آئین هندو به نام «براهمن» گرفته شده است. براهن، اشاره به دعا و نیایش، به‌ویژه قدرت منتره‌های ودائی و جادوی آنها دارد. همچنین، این واژه برای تعیین کسی که دعا می‌کند، هم استفاده شده است. بر همین اساس، به کاهن هم براهن یا براهمن اطلاق شده است (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۸۰). براهن‌ها در آئین هندو و شکل‌گیری اعتقادات آن نقش داشته‌اند. برای نمونه، داستان انسان جهانی، که با قربانی کردن خود عالم را خلق کرد و جهان دیدنی و نادیدنی را آفرید، در این کتب یافت می‌شود که هنوز هم به نوعی در داستان خلقت از منظر هندویان معتبر و مورد استناد است (همان). در همین مجموعه، اعتقاد به عالم دیدنی و نادیدنی مورد اشاره قرار گرفته، در اعتقادات هندوئی مورد استناد واقع شده است (همان).

آرنیکه‌ها (Araneyakas): آرنیکه در سنسکریت، به معنای «متون جنگلی» است. گویا محصول مجاهدات و

اندیشه‌های آن دسته از براهمنان و کُشتَرِبِه‌هایی (حاکمان و جنگوران، طبقه دوم از طبقات چهارگانه هندو) است که ترک دنیا کرده، برای عزلت و آرامش، به درون جنگل (آرنیه)، کوچ می‌کرده‌اند (ر.ک: شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۶)، که امروزه هم این روش وجود دارد. افراد مدتی را به عنوان عزلت‌نشینی در جنگل می‌گذرانند و آن را مرحله‌ای از مراحل زندگی معرفی می‌کنند. گفته می‌شود هریک از متون وده‌ای، به یکی از دوره‌های زندگی اختصاص داشته است. در این چینش، آرنیکه‌ها، مخصوص دورهٔ عزلت در خلوت جنگل بوده است (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶a، ص ۴۲). این نوشته‌ها، که سومین جزء از متون شروتی محسوب می‌شوند، تفسیرهای رمزی و عارفانه‌ای از مناسک و مطالب وده‌ها به دست می‌دهند (همان). در واقع این مطالب، حد فاصل بین فلسفه رایج در براهمنه‌ها است که اعمال وده‌ای را در عبارات عملی بیان می‌کند و اوپه‌نیشادها، که به بصیرت فلسفی بالاتری از وده‌ها نقب می‌زند (همان).

در متون آرنیکه‌ای، شواهدی بر یجنه وده‌ای (Vedic yajna) یا اعمال دینی دیده می‌شود که توسط اهل خبره، به شکلی درونی انجام می‌گرفت. این اعمال اساساً باید به صورت ذهنی صورت می‌پذیرفت. این‌گونه اعمال دینی نزد هندوها بی‌سابقه نبود؛ چرا که کاهن‌های آتیرهوه وده‌ای، این نوع مراسم را پیش‌تر انجام می‌دادند. آنان این مراسم را به‌طور کلی ذهنی انجام می‌دادند و وردی به زبان جاری نمی‌ساختند (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶b، ص ۴۸۲-۴۸۱). امروزه هنوز هم این سبک عبادت در میان هندوها رواج دارد و ریشهٔ این‌گونه نیایش در همین آرنیکه‌ها است و اعتبار خود را از آنجا گرفته است.

تنها چهار مورد از این متون برای هندوها باقی مانده است. گرچه در آغاز، این کتب برای همه وده‌ها مطرح بوده و تعدادشان بیش از این مقدار بوده است. برهارد آرنیکه (Brhad Aranyaka) و تایتاریا آرنیکه (Taittiriya Aranyaka) که تفاسیر عرفانی و رمزی برای یجور وده هستند، ایترابه آرنیکه (Aitareya Aranyaka) و کوشتیکه آرنیکه (Kaushitiki Aranyaka) که برای رگ وده هستند (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶a، ص ۴۲).

اوپه‌نیشدها: اوپه‌نیشد در سنسکریت، به معنای «نشستن پایین پا و نزدیک» (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶f، ص ۴۷۱) است، این واژه گویا اشاره به اوضاعی است که این متون در آن شکل گرفته است؛ یعنی مجالسی که در آن استادان (گوروها) به شیفتگان دانش و عرفان تعلیم می‌داده‌اند (ر.ک: شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۶). هزاران متن در هندی، خود را اوپه‌نیشاد خوانده‌اند تا از اعتبار متون اوپه‌نیشادی اصلی، که تقریباً دوازده عدد هستند، بهره‌گیرند (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶f، ص ۴۷۱).

اوپه‌نیشدها، مجموعه‌ای مفصل ناهمگون از متون است که قدمت برخی (اوپه‌نیشدهای اصلی) را، به ۷۰۰ تا ۳۰۰ ق.م. گمانه می‌زنند. قدیمی‌ترین اوپه‌نیشدها به نثر بوده، اما هرچه پیش‌تر می‌آید، به نظم شبیه‌تر می‌شود. گاه اوپه‌نیشادها و آرنیکه‌ها را جزو براهمنه‌ها تلقی می‌کنند. البته گاه برخی آرنیکه‌ها را در میان اوپه‌نیشادها قرار می‌دهند. راز این تلافی، آنجاست که هر دو گروه از این آثار، تفسیر رمزی و عرفانی مناسک و دانش وده‌هاست. حتی برخی آرنیکه‌ها (همچون ایتَرِبِه آرنیکه)، خود را در گروه اوپه‌نیشدها قرار می‌دهند، برای نمونه، بریهدآرنیکه، نام

آرنیکه دارد، ولی خود را جزو اوپه‌نیشادها قرار داده است. با اینکه تعداد اوپه‌نیشادها فراوان است، ولی اوپه‌نیشدهای اصلی را دوازده عدد معرفی کرده‌اند و بر آن شرح‌ها و تفسیرهای فراوانی نوشته و به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه کرده‌اند. اوپه‌نیشدهای اولیه عبارتند از: برُهدآرنیکه اوپه‌نیشد، ای‌شا اوپه‌نیشد، تیتیری‌په اوپه‌نیشد، جهاندُگیه اوپه‌نیشد، آیتریه اوپه‌نیشد، کوشی تکی اوپه‌نیشد، کَنه اوپه‌نیشد، کَنه اوپه‌نیشد، پُرشنه اوپه‌نیشد، شو‌تاشو‌تَره اوپه‌نیشد، موندکَه اوپه‌نیشد، و ماندو کیه اوپه‌نیشد(همان، ص ۴۷۲).

اوپه‌نیشدها، سرشار از تأملات و اندیشه‌های درونی هستند که آئین هندو را از آئینی مبتنی بر اعمال بیرونی، به آئینی با محوریت تأملات درونی مبدل ساخت و تلاش کرد راه نجات را به راهی متکی بر معرفت و شناخت در نظر گیرد. شاید مهم‌ترین بخشی که این متون در آئین هندو تأثیر گذاشته، الهیات و انسان‌شناسی هندو است. در الهیات هندوئی، نگاه وحدت وجودی و پنتیستی را ما در این متون مشاهده می‌کنیم. بحث از وجود برهمن، به عنوان جان جهان در اوپه‌نیشادها دیده شده است. امروزه هنوز این موضوع از اعتبار والایی در این آئین برخوردار است. همچنین در عرصه انسان‌شناسی، موضوعات مهمی همچون وجود آتمن، کرمه، سمساره به اوج اهمیت رسید(کنستنس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۸۱-۴۸۲).

اوپه‌نیشادها، از آنجاکه نقطه اوج دانش ودهای تلقی می‌شوند، به ودَنته(Vedanta) یعنی «پایان وده» شهرت دارند.

ب. سمرتی‌ها

«سَمرتی» در زبان سنسکریت از ریشه smrē (یاد) و به معنای «آگاهی به یاد آمده» است(Patton, ۲۰۱۱، ص ۱۵۰). سمرتی، یعنی احادیث و روایات و یا آثاری که مبدأ انسانی دارند و قائم بر شروتی هستند(شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷). این اصطلاح عامی است برای همه حجم وسیعی از دانش مقدس دینی هندوها، که به خاطرها آمده و در سنت هندویی منتقل شده است. شاید بتوان این متون را با روایات در سنت‌های دیگر مطابق دانست.

این متون گرچه مسموع و وحیانی (شروتی) تلقی نمی‌شوند، اما از ارزش و اعتبار دینی درجه دو برخوردارند، برخی، مانند بهگودگی‌تا، حتی محبوبیت و توجهی هم‌ارز مهم‌ترین متون ودهای کسب کرده‌اند. این متون، از آنجا که توسط انسان‌ها شکل گرفته است، از نگاه هندوها، احتمال خطا در آنها وجود دارد(لوکفلد، ۲۰۰۲ا، ص ۶۵۶-۶۵۷). هندوها راجع به اینکه سَمرتی، در اصطلاح عام خود، شامل چه متونی می‌شود، اتفاق نظر ندارند(کنستنس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۱۹)، اما همه آنان ایتی‌هاسه‌ها(Itihasas)، پورانه‌ها(Puranas)، و دَهرمه‌شاستره‌ها(Dharma Sastras) را سَمرتی می‌شمارند.

ایتی‌هاسه‌ها: «ایتی‌هاسه» به معنای «چنین بود در آغاز» است(شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۵)، و اصطلاح عامی است برای داستان‌های باستان در سنت هندو. مهم‌ترین این داستان‌ها، دو حماسه مهابهارته و رامایانه است.

حماسه‌نامه‌های بزرگ، مهابهارته و رامایانه، به نظر می‌رسد ارتباط بیشتری با سنت‌های عمومی برقرار کرده‌اند و نشان می‌دهند نظام براهمنی، بسط یافته بود که میان باورها و اعمال مردم اتحاد برقرار نماید. باورها و اعمال

عمومی، حتی در پورانه‌ها، بخش وسیعی از متون ادبی که در بعد از دوره حماسی شکل یافته و مجموعه اشعار و ترانه‌هایی که از حرکت سرسپارانه دوره میانه پدید آمده بودند، مشهودتر بودند(شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۳۴).

مهابهارته: مهابهارته، با داشتن تقریباً یکصد هزار بیت «سُلکه»(S'loka)، طولانی‌ترین مجموعه شعر حماسی جهان شناخته می‌شود(همان، ص ۳۶). این مجموعه، بین سال‌های ۴۰۰ پیش از میلاد تا ۳۰۰ پس از میلاد، به تحریر درآمده است(همان، ص ۳۵) و بر این اساس، نویسندگان و سرایندگان مختلفی در ساختن و پرداختن آن نقش داشته‌اند. زبان حماسه‌نامه مهابهارته سنسکریت کلاسیک، یا حماسی معرفی می‌شود که با سنسکریت وده‌ئی اختلافات فاحشی دارد(رک: شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۶). به اعتقاد هندوها، ویاسه(Vyasa) سراینده مهابهارته، هرچند شواهد بر خلاف این مطلب است وی تنها سراینده مهابهارته باشد، کلیه امور را در این اثر مورد بررسی قرار داده است و مطالب کلیدی و اساسی‌ای را در آن ارائه کرده است. این کتاب، از نظر حجیت از چنان جایگاه والایی برخوردار است که برخی آن را وده پنجم می‌دانند(شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۷). این اثر هم کتابی جامع است و هم همه مخاطبان هندو به آن علاقه دارند. اساساً دلیل اینکه کتاب را «مهابهارته» نامیده‌اند، این است که در میان آثار هندو، هیچ کتابی شایسته نام هند بزرگ نبوده است. جامعیت این اثر از این جهت است که در آن مباحث فراوان فلسفی، عرفانی، اخلاقی، شرعی، اعتقادی و... دیده می‌شود و علما و اندیشمندان به مطالب آن برای درک حقایق هندو استناد می‌کنند و مرجعی معتبر برای معارف آئین هندو می‌باشد. *داریوش شایگان*، در باب اعتبار و حجیت این اثر آورده است:

مبانی کیش شیوائی و ویشنوئی، مبحث نزول حق در عالم محسوسات، طریق عشق و محبت، اصول مکتب سانکیه، ودانته، یوگا، و وی شیشکا در این حماسه بزرگ منعکس است، بدان حد که آن را آئینه تمام‌نما و دائرةالمعارف جمله معتقدات آن دوره، اعم از فلسفی و اخلاقی و ادبی و اساطیری می‌پندارند. سنت هندو درباره آن می‌گوید: «هر آنچه اینجا است، در جای دیگر نیز تواند بود. هر آنچه در اینجا نیست، در هیچ جا یافت نمی‌شود»(همان).

راماینه: «راماینه» دومین حماسه‌نامه بزرگ از مجموعه آیتی‌هاسه‌ها راماینه است. این اثر، از جهت شیوه نگارش از مهابهارته متمایز است و از نظر حجم، حدود یک چهارم آن است. قهرمان این حماسه‌نامه رام است. این نوشته، به زبان سنسکریت و به نظم سروده شده است. در سنت هندو، اعتقاد بر این است که راماینه را شخصی به نام *والمیکی*(Vaḥmiki) نوشته که به نظر می‌رسد، معاصر رامه بوده است. البته از آنجا که سبک تحریری این حماسه‌نامه، یک‌دست است، نویسنده واحد داشتن آن دور از انتظار نیست(همان، ص ۲۴۳).

یکی از مهم‌ترین آموزه‌هایی که در راماینه مورد اشاره قرار گرفت و تبدیل به آموزه‌های مهم در آئین هندو گردید، آموزه «وتاره» یا تجسد خدا در زمین است(همان، ص ۲۴۷). این موضوع مهم بیانگر نقش و تأثیر این اثر در اعتقادات هندو است و اعتبار و حجیت آن را نشان می‌دهد.

این اثر، در موضوعات اخلاقی نیز از اعتبار و حجیت بالایی برخوردار است. «رامه»، نمونه انسان کامل است.

«سیتا» الگوی پاکی و عشق است. «بهارته»، جلوه‌ حق‌شناسی و مردانگی و لکشمی و «هانومان»، مظهر وفاداری و خدمت صادقانه هستند.

رامایانه، در سرزمین هند از ارزش و جایگاه مهمی برخوردار است. هنوز هم مردم به داستان‌های آن، با همه وجود گوش می‌کنند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند و حتی می‌گیرند(همان، ص ۲۴۶). از شخصیت‌های این حماسه‌نامه الگوبرداری می‌کنند و رفتارهای آنان را برای خود، آرمانی بی‌بدیل تفسیر می‌کنند. همه این امور بیانگر میزان اعتبار و حجیت این اثر گرانسنگ در آئین هندوست.

پورانه‌ها: پورانه‌ها، بخش دیگری از متون سمرتی هستند که نزد هندویان از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. پورانه، به معنای «باستان» و «قدیم» است(شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۴۲). در این اثر، مباحث مرتبط با آفرینش عالم، جهان‌شناسی، الهیات، شجره‌نامه خدایان، زندگی‌نامه پادشاهان و علمای بزرگ هندو دیده می‌شود(شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۷۷). این اثر، عمومی‌تر از متون ودهئی به تحریر درآمده‌اند. مردم فارغ از هر طبقه‌ای، ارتباط بهتر و بیشتری با آن برقرار می‌کند. از این رو، حتی گاه اعتباری بالاتر نزد هندوها، از وده‌های چهارگانه برای آن دیده می‌شود(شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۴۲). مطالب پورانه‌ها با داستان‌ها و افسانه‌ها ترکیب می‌شود و به همین دلیل، میان هندویان از جذابیت بالایی برخوردار است. به‌گونه‌ای که پورانه‌ها را می‌توان دایرة‌المعارف عمومی این آئین تلقی کرد(شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۷۸).

گاه ارزش پورانه‌ها، برابر با وده‌ها دانسته شده و پورانه‌ها را وده پنجم معرفی کرده‌اند. حتی برخی آنها را مقدم بر وده‌ها می‌دانند(شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۴۲).

هر پورانه‌ای بر یکی از خدایان، به‌عنوان خدای متعالی و خالق عالم متمرکز شده و عالم را محصول کار او می‌داند(همان، ص ۴۳). پورانه‌ها، همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت، در هندوئیسم پس از دوره حماسی، از جایگاه و اعتبار و حجیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. این منبع را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از مجموعه متون مقدس و معتبر هندوئی خارج کرد و وجود آن را نادیده انگاشت. تعداد پورانه‌ها هجده عدد است که تاریخ نگارش آنها، کاملاً مشخص نیست(شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹). البته این نکته در پورانه‌ها مهم است که این اثر، جزو متون شروتی محسوب نمی‌شود و از متون سمرتی است. از نظر حجم نیز این آثار، مختلف‌اند. برخی از آنها، طولانی و مفصل‌اند و برخی از آنها کوتاه و مختصر.

قانون‌نامه‌ها: در حقیقت قانون‌نامه‌ها، راه و رسم زندگی را برای هندوها بیان می‌کنند. این متون، که از اعتبار و حجیت بالایی برخوردارند، به دو گروه تقسیم می‌شوند: قانون‌نامه‌های عمومی که برای همه هندوها می‌باشد و قانون‌نامه‌های خاص طبقات که اختصاصی است. قانون‌نامه‌ها با عنوان «درمه‌شاستره‌ها» شناخته می‌شوند. این قانون‌نامه‌ها، که در حدود چهار قرن پیش از میلاد تدوین شده‌اند، قوانین و هنجارهای فردی و اجتماعی را به تصویر می‌کشند(کنستنس و دیگران، ۲۰۰۶d، ص ۱۳۱).

بی‌تردید، قانون مانو (Manava Dharmashastra or Manu-smriti)، مهم‌ترین قانون‌نامهٔ عمومی است (Doniger، ۲۰۱۴، ص ۲۳). این اثر، حدود ۱۰۰ پیش از میلاد تدوین شده است و به خدای مانو، تدوین آن نسبت داده شده که مطالبی استعاره و کنایه است (همان). امروزه قانون مانو، مهم‌ترین و معتبرترین منبع برای یافتن احکام اخلاقی و راه و رسم زندگی در آئین هندوست. از این‌رو، از جایگاهی منحصر به فرد برخوردار است.

در زمینهٔ قانون‌نامه‌های اختصاصی نیز آثاری بسیاری وجود دارد که برای طبقات اجتماعی هندو تهیه شده‌اند که با نام «ورنه شرامه درمه» (Varna shrama Dharma)؛ یعنی نظام وظایف فرد بر اساس طبقه و مرحلهٔ زندگی، شهرت یافته‌اند. این متون، در حقیقت دستورالعمل‌های خاص برای هر طبقه است، ناردا اسمریتی (Nardasmriti)، از جمله این متون است (منسکی و دیگران، ۱۳۷۸، ص. ۴۹). ناردا در سنت هندو، فرزند برهما، خدای خالق در این آئین است. این کتاب بیشتر به سیاست و اداره امور کشور توجه دارد.

مکتب‌های فلسفی در آئین هندو

بی‌تردید مکاتب فلسفی هندو، که در دورهٔ هندوی میانه شکل گرفته‌اند، یکی از مؤثرترین منابع در اندیشه‌ها و ایده‌های این آئین محسوب می‌گردند. به این مکاتب فلسفی، نام «درشنه» (Dars'ana) اطلاق کرده‌اند (شایگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰). هندوها، با این عنوان به علوم نظری خود اشاره دارند (همان، ص ۵). واژه «درشنه» به معنی بصیرت و درک است که از ریشهٔ 'drs' به معنای دیدن (آنا، ۲۰۰۸، ص ۷۱۵). این مکاتب، به موضوع فهم حقیقت غایی، پدیده‌های هستی و همه مخلوقات عالم می‌پردازند. هریک از آنها، بر موضوعی خاص تأکید بیشتر تأکید دارند. به این جهت، گرچه این مکاتب، مطالبی در حوزه‌های هستی‌شناسی، الهیاتی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی دارند، اما بر مباحثی که هریک تأکید بیشتری دارند، نظر خواهیم کرد. اسامی این شش مکتب فکری و پدیدآورندگان آنها، عبارتند از: ۱. مکتب سانکھییه (Sankhya) که مؤسس آن حکیمی به نام کاپیلا (Kapila) بوده است. ۲. مکتب یوگا (Yoga) که پتانجلی (Patanjali) اصول آن را گردآوری کرده است. ۳. مکتب پوروه میمانسا (Purva Mimansa) که مؤسس آن جای‌مینی (Jaimini) می‌باشد. ۴. مکتب ودنته (Vedanta) که حکیمی به نام ویاسا (Vyasa) آن را بنا نهاده است. ۵. مکتب ویشیشیکا (Vaisheshika) که حکیمی به نام کناده (Kanada) بنیانگذار آن بوده است. ۶. مکتب نیایه (Nyaya) که دانشمندی به نام گاتاما (Gatama) آن را بنا نهاده است (دونیگر، ۲۰۱۴، ص ۴۷).

مکتب نیایه، مکتبی است که راه معرفت به عالم و حقایق دینی را از راه شهود محض، که تا آن زمان تنها راه معرفت دینی تلقی می‌شد، به صورت گسترده به تصویر کشید و گفت: ما چهار راه برای ادراک واقعی داریم: احساس، استنتاج، تطبیق و گواهی. وی همچنین، احساس را به درونی و بیرونی تفکیک نمود (ساتیش چندرا چاترجی، دریندراموهان داتا، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴). استنتاج و تطبیق در ایدهٔ وی، بازکردن راه عقل به معرفت است. پس از این مکتب، به تدریج استدلال‌های عقلی برای وجود خدا در آئین هندو وارد شد. در این مکتب، اموری که متعلق ادراک و معرفت قرار می‌گیرند، عبارتند از: نفس، بدن، حواس، شناخت، ذهن، فعالیت، خطاهای ذهن، تولد دوباره، احساس

لذت و درد، رنج و رهائی از رنج(همان، ص ۱۳۶). در این مکتب، برای اولین بار به طور منظم برای اثبات وجود خدا، استدلال آورده شده است؛ مطلبی که تا آن هنگام، به آن توجه خاصی نشده بود(همان، ص ۱۳۷).

مکتب ویشیشکه، نیز همانند مکتب نیابه، تحلیل‌های عقلانی را مدنظر خود قرار داد. در این مکتب، موجودات عالم به نه گروه تقسیم می‌شوند: خاک، آب، آتش، هوا، اتر، زمان، مکان، روح و ذهن. آب، خاک، آتش و هوا از اجزای نادیدنی و ابدی تشکیل شده‌اند و همه این مطالب، در این مکتب با تحلیل‌های عقلانی مورد بررسی قرار می‌گیرد(همان، ص ۱۳۹).

مکتب سانکھییه، نگاهی دوگانه‌انگار نسبت به عالم دارد. در این مکتب، دو حقیقت غائی وجود دارد: پوروشه و پراکتی. پوروشه، ذاتی هوشمند است که آگاهی ذاتی آن است و از ازل با او بوده است. پوروشه، همان نفس است که از بدن، حواس و ذهن متمایز است. نکته مهم اینکه، به تعداد آدمیان نفس وجود دارد. این نفس، فرا زمان، سردمی است که فراتر از زمان، تغییرات این عالم را مورد مشاهده قرار می‌دهد بدون اینکه خود فعالیتی انجام دهد. پراکتی، ذاتی غیرشعورمند است که همواره در حال تغییر و دگرگونی است. پراکتی، کاری جز ارضای نفوس انسان‌ها ندارد. پراکتی، از سه عنصر ستوه(لذت)، تمس(رنج) و رجس(بی‌تفاوتی) تشکیل شده است. این سه، در کنار هم، همانند سه ریسمان این پراکتی را شکل داده‌اند.

در این مکتب، شکل گرفتن عالم از به هم بسته شدن این دو حقیقت غائی ساخته شده‌اند. بنابراین، از یک‌سو، دارای نفسی فرازمانی بوده که دارای آگاهی است و از سوی دیگر، دارای یک مادهٔ ازلی است که از عنصر لذت، رنج و بی‌تفاوتی ساخته شده است.

این مکتب نسبت به خدا، نگرشی الحادی دارد؛ چراکه اگر قرار باشد خدایی وجود داشته باشد، باید ثابت و لایتغیر تلقی گردد. از آنجاکه خدا نقشی علی دارد، و علت بودن با پدید آمدن معلول، مستلزم تغییر است، پس خدا وجود ندارد(همان، ص ۱۴۵-۱۵۱).

مکتب یوگه، در اکثر دیدگاه‌ها شبیه مکتب سانکیه است. تنها تفاوت مهم آن، این است که وجود خدا را می‌پذیرد و حالت الحادی ندارد. مکتب یوگه، برای رسیدن به معرفت حقیقی و نجات از طریق آن، بر ورزش و فعالیت‌های ورزشی خاص تأکید دارد(همان، ص ۱۵۲).

مکتب می‌مامسا، هدف نهایی خود را دفاع و حمایت از آموزه‌های ودهای ساخته و تلاش می‌کند آنها را مستدل نماید و به نوعی، توجیه عقلانی برای آنها قائل است. مهم‌ترین اصل این مکتب، اعتبار و وثاقت ودهاست. همه این مکتب، حول محور ودها قرار گرفته است(همان، ص ۱۵۵-۱۵۶).

مکتب ودانته، بر بنیان اوپنیشادها شکل گرفته است. بر همین اساس، نامش را ودانته نام نهاده که از یک‌سو، به اوپنیشادها اشاره دارد و از سوی دیگر، رسیدن به ودها را غایت خود قرار داده است. در این مکتب، خداوند همه حقیقت عالم است. این حقیقت در همه عالم جاری است. این وجود متعالی بر تمامی کائنات چیره و قاهر است و در همه آنها هست(همان، ص ۱۶۲).

بررسی آراء هریک از این مکاتب، دنیایی از مطالب تحلیلی و گاه، عقلی در برابر محقق می‌گشاید. این مکاتب، هریک برای عده‌ای از هندویان، به‌ویژه فرهیختگان این جماعت از اعتبار و مرجعیت خاصی برخوردارند. البته لازم به یادآوری است که این مکاتب فلسفی، بیشتر برای باز کردن عرصه اندیشه و تعقل به آئین هندو راه یافته‌اند و کمتر همانند متون مقدس از اعتبار و حجیت برخوردارند.

نهضت‌ها و جریانات تأثیرگذار در آئین هندو

یکی دیگر از منابع حجیت آئین هندو، نهضت‌ها و جریانات مهمی است که در سرزمین هند و در بستر آئین هندو ساخته و پرداخته شده‌اند. در ادوار گوناگون، آئین هندو، نهضت‌ها و جریانات اعتقادی، فرهنگی و سیاسی مختلفی شکل گرفته‌اند که به اطوار مختلف، بر این آئین و باورهای آن اثرگذار بوده‌اند. بررسی هریک از این نهضت‌ها و جریانات، خارج از حوصله این نوشتار است؛ اما برای نمونه، در اینجا دو مورد از آنها را بررسی می‌کنیم: براهمو سماج و آریا سماج (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۲).

براهموسماج (اتجمن براهمن‌ها یا روحانیون دینی)، اولین جنبش اصلاح‌طلبانه است که در ۱۸۲۸ به طور رسمی شکل گرفت. مؤسس این جنبش، رم موهان ری (Ram Mohan Roy) (۱۷۷۲-۱۸۳۳) نام دارد (کنستس و دیگران، ۲۰۰۶b، ص ۹۲-۹۳). وی را «پدر هند جدید» نامیده‌اند. موهان ری، اهل یک خانواده براهمن بنگالی بود. وی در دانشگاهی اسلامی تحصیل کرده بود. او ابتدا زبان فارسی و عربی را آموخت. سپس، به آموختن زبان سنسکریت روی آورد. گرایش زبان‌شناسی او، وی را به آموختن زبان انگلیسی سوق داد. او در ۱۸۰۳، برای کار در شرکت هند شرقی به شهر کلکته رفت. ری حین تحصیلات خود، با فلسفه اسلامی و فلسفه غرب آشنا شد و به مطالعه سایر ادیان پرداخت. با توجه به زندگی و آثار ری، می‌توان گفت: وی تقریباً همه زندگی خود را به مطالعه درباره سایر ادیان، بخصوص اسلام و مسیحیت اختصاص داده است. از این‌رو، وی در بیان دیدگاه‌های خود، از مجموع کتب عرفانی اوپه‌نیشدها، مکتب ادویته ودانته شنکره، کلام و تصوف اسلامی و توحیدگرایی و خداگرایی مندرج در اسلام و مسیحیت بهره می‌برد.

موهان ری، اولین نوشته خود را با نام *تحفة الموحدین* در ۱۸۰۳ و به زبان فارسی منتشر کرد و با این اثر، خود را به عنوان متفکری آزاد از دین معرفی نمود. وی در این کتاب می‌نویسد:

من به دورترین نقاط دنیا سفر کردم، به دشت‌ها و کوه‌ها رفتم و دریافتم که ساکنان آن مناطق، همگی به یک وجودی اعتقاد دارند که سرچشمه همه هستی‌هاست و فرمانروای عالم است. آنها اختصاص دادن صفات مشخصی به آن وجود مطلق را رد می‌کنند. از این‌رو، بر من آشکار شد که روگرداندن به سوی وجودی ابدی، در حقیقت همچون رویکردی طبیعی به ذات بشر است؛ چرا که این امری معمول بین همه انسان‌هاست... همیشه در درون ما و در ذات بشر قوه‌ای هست که صدای ذهن ماست و قبل یا بعد از پذیرش اصل هر دینی، عادلانه و بی‌طرفانه ما را به سمت ذات اصول اعتقادات دینی ملل مختلف فرا می‌خواند. جای بسی امیدواری است که انسان بتواند از این طریق حقیقت را از باطل و قضیه‌های حقیقی را از موضوعات سفسطه‌آمیز تمایز دهد. در نتیجه، از قید

و بندهای بیهوده دین که منع تعصب یک انسان علیه دیگری می‌شود و مشکلات روحی — روانی و جسمانی ایجاد می‌کنند آزاد شود و به یگانه وجود مطلق که سرچشمه نظام سازگار عالم است و نیز به آنچه که خبر جامعه است معطوف گردد (باکل، ۱۹۹۱، ص ۸۸).

از این سخنان برمی‌آید که آشنایی وی با ادیان اسلام و مسیحیت، تا چه حد بر شکل‌گیری دیدگاه وی در توصیف تنزیهی خداوند و الهیات سلبی وی و نیز نگرش یکتاپرستی او تأثیرگذار بوده است. همین آشنایی و همدلی او با اسلام و مسیحیت، رم موهان‌ری را به نظریه وحدت متعالی ادیان سوق داد. او بر یک مجموعه عناصر مشترک میان سه دین اسلام، مسیحیت و هندوئیسم تأکید می‌کرد و آن عناصر را حقایق اصیل هندوئیسم و دینی جهانی که قابل پذیرش همگان باشد، نامید. موهان‌ری، بیان می‌کند که همه ادیان علی‌رغم آنکه در اعمال و تظاهرات بیرونی با هم متفاوتند، در لبّ و اصل خود، به خدایی واحد، همان‌گونه که خود معرفی کرده بود، باور دارند. از این‌رو، او بر تسامح دینی تأکید ورزیده و همه ادیان را در نهایت، یک دین و طریقه دانست (شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۹۰).

همچنین، وی از یک‌سو، با خرافات و اعمال غیراخلاقی موجود در سنت هندویی مبارزه و از سوی دیگر، بیان می‌کرد که حقیقت، در اسلام و مسیحیت هم مندرج است؛ همان‌گونه که در اوپه‌نیشدها آمده است (باکل، ۱۹۹۱، ص ۸۸). به اعتقاد او، تعبد و اخلاص نسبت به خدای یگانه، هسته دین است. در برخی اوپه‌نیشدها، به صراحت بیان شده که انجام مراسم دینی امری اختیاری است (همان، ص ۸۹). وی به صراحت مراسم پیچیده عبادی را که تحت نظارت روحانیون دینی انجام می‌شد، مورد نکوهش قرار داد، معتقد بود که اوپه‌نیشدها، درصد آزادسازی روح از زنجیر عادات و رسوم هستند.

رم موهان‌ری، اقدام به ارائه تعریفی جدید از هندوئیسم کرد؛ کاری که متفکران دینی هند قرن‌ها انجام می‌دادند. با این تفاوت که این عمل، براساس خودآگاهی تاریخی انجام می‌شد؛ چراکه او در بسیاری موارد، از جمله مذموم دانستن پرستش خدایان مختلف و بت‌ها و یا منع انجام مراسم ستی، با قضاوت دنیای جدید همراه می‌گردد. وی در اصالت بخشیدن به عقل، با دنیای غرب همراه و با اصل قرار دادن این قوه، پیشتاز خرافه‌زدایی از بسیاری از آراء و آداب هندویی گردید. می‌توان گفت: همین عقلانیت بود که او را از توده مردم جدا کرده است. در عین حال، او هیچ‌گاه از بستر سنت خود فاصله نگرفت. وی معتقد است: هندوئیسم از گذشته‌های درخشان نشئت گرفته و به دوره‌هایی پیشین بازمی‌گردد که حاوی اعمال و اعتقاداتی ناب و خالص است. از این‌رو، وی اوپه‌نیشدهای اولیه و توحید مندرج در آن را بستری مبنایی برای ایجاد هندوئیسم جدید قرار داد. وی اساس جنبش خود را بر پایه عناصری که در گذشته موجود بوده‌اند، بنا نهاد؛ عناصری که آغازگر سنت دینی هستند.

جنبش براهموسماج، بر گوروهای (استاد حکمت دینی) گجرات تأثیر گذاشت و موجب پیدایش نهضتی فراگیرتر با نام «آریاسماج»؛ به معنای جامعه آریایی یا جامعه اصیل شد. مؤسس این فرقه، فردی به نام سوامی دای‌آنده سَرسوتی (Swami Dāyananda Sarasvatī, 1824-1883) اهل گجرات بوده. سَرسوتی، اساس اعتقادات خود را حتی به پیش از اوپه‌نیشدها و به ریشی‌های وده‌ای رساند. وی، منتقد سنت دینی عصر خود بود و از

بازگشت به دین توحیدی کهن، که از نظر او در متون مقدس عصر باستان وجود داشت، حمایت می‌کرد (کنستنس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۵).

دایاننده، در هند غربی زاده شد. او خانه خویش را ترک کرد تا به رسم درویشان بی‌خانمان و آواره آن دوره زندگی کند، سرانجام، به عنوان «سنیاسین» (والا ترین رتبه دینی و عرفانی) شناخته شد. برای مدتی، نزد زبان‌شناسان مشهور به یادگیری قواعد دستوری کهن پرداخت. وی اعتقاد داشت که تنها متون حقیقی هندویی، همان متون اولیه است که به وسیله حکما و آگاهان از غیب، به ما رسیده و فلسفه و الهیات متأخر هندویی، باطل و ساخته‌شده فرقه‌ها و مکاتب بعدی است. در ۱۸۷۵، دایاننده نهضت آریا سماج را تأسیس نمود. وی دو سال بعد توانست حمایت تاجران و سایر کسانی را که قصد دفع کردن حملات مسیحیان علیه هندوها را داشتند، به دست آورد. از آنجاکه این حرکت رادیکال و تندرو بود، خواهان انجام اصلاحات اساسی در آیین هندو بود و بسیاری از بخش‌های سنت هندویی، از جمله حق و حقوق براهمنان را انکار می‌کرد. آریاسماج، جنبش اصلاح‌گرایانه بسیار قوی‌ای بود که می‌توان گفت: این جنبش از تنه سنت هندویی جدا شده و به شکل یک فرقه در میان ادیان به هم پیوسته هندویی درآمد (شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۹۱).

به‌طور کلی، آموزه‌های دینی آریاسماج را می‌توان دارای ده اصل دانست:

۱. خداوند علت هر معرفت حقیقی و هر آن چیزی است که به وسیله معرفت شناخته می‌شود.
۲. خداوند موجود، آگاه و پرخیر و برکت است. او بدون شکل و قالبی است. عالم مطلق، عادل، مهربان، نامحدود، غیرقابل تغییر، ازلی، بی‌همتا، حامی همه موجودات، سرور همه موجودات، حاضر مطلق، باقی، بدون نوسان و اوهامه، ابدی، مقدس و سازنده همه چیز است. او زاده نشده، یگانه شایسته برای پرستیده شدن است.
۳. وده‌ها متون مقدس و منبع هر معرفت حقیقی هستند. برترین وظیفه هر آریایی، خواندن وده‌ها، آموختن آنها، قرائت و گوش دادن به این سرودهاست.
۴. انسان باید همواره آماده پذیرش حقیقت و اعلان آنچه حقیقت نیست، باشد.
۵. تمامی اعمال انسان باید مطابق دهرمه (Dharma) انجام شود. البته پس از اندیشیدن درباره اینکه چه چیز درست و چه چیز غلط است.
۶. هدف نهایی آریاسماج، خیر رساندن به عالم، از طریق تعالی بخشیدن به خوبی‌های اجتماعی، معنوی و جسمانی هر فردی است.
۷. رفتار ما درباره هر کسی، باید با عشق، درستی و عدالت کنترل شود.
۸. ما باید اویدیا (جهل) را از خود دور کرده، ویدیا (معرفت) را افزایش دهیم.
۹. هیچ کس نباید فقط با به کمال رسیدن خود خرسند باشد، بلکه انسان باید همواره به دنبال تعالی و رشد دیگران نیز باشد.

۱۰. انسان همواره باید از قوانین جامعه، که برای پیشبرد و تأمین رفاه همه تنظیم شده است، پیروی کند. در عین حال، تبعیت از قوانین مربوط به رفاه فردی همه باید آزاد باشند (باکل، ۱۹۹۱، ص ۹۴: کنستنس و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۴۲).

مجموعه این قوانین و دستورات آریاسماج، بیانگر پرستش خدایی واحد، خدمت به نیازمندان و تلاش برای پیشرفت معنوی دیگران است. لبّ دعای آریاسماج‌ها و به عبارت دیگر، گزاره‌های بنیادین اعتقادی آنان را می‌توان در این دو جمله دانست: خدا یکی است و وده‌ها کلام او هستند (باکل، ۱۹۹۱، ص ۹۳). البته در کنار این پیوستگی تام به متون مقدس، جریان آریاسماج اعمال موهوم و خرافاتی، پرستش بت و تمثال، اعتقاد به اسطوره‌های رمزی، تجسم خدا، پورانه‌ها، و اعمالی چون زیارت و غسل را طرد می‌کردند و هیچ‌یک از این‌ها را از آموزه‌های ناب وده‌ها نمی‌دانستند (شاتوک، ۱۹۹۹، ص ۹۱-۹۲).

نکته مهم در مباحث حجیت، این است که دیدگاه‌های اصلاحی این دو جریان برخلاف شهرتی که دارند، به تمامی هندوها سرایت نکرده و نتوانسته‌اند آنچنان که باید و شاید، تحولی شگرف در اعتقادات مردم آن سرزمین برجای گذارند؛ تنها ایده‌های آنها برای گروهی کوچک از پیروان این آئین مورد توجه قرار گرفته و برای آنها اعتبار دارد، از این رو، نویسنده کتاب ادیان زنده جهان این گونه توضیح می‌دهد: «آریا سماج، از برهما سماج بسیار فعال‌تر بود، به طوری که سرانجام حدود متجاوز از نیم میلیون نفر پیرو آن شدند. در حالی که گروه دوم هرگز و در هیچ زمان بیش از شش هزار پیرو نداشته است» (هیوم، ۱۳۸۲، ص ۷۰).

اندیشمندان، مصلحان و چهره‌های تأثیرگذار در آئین هندو

در طول حیات آئین هندو، چهره‌های شاخصی وجود دارند که با تلاش خود، توانسته‌اند اثری ماندگار از خود برجای بگذارند. این عده، گاه همانند پتانجلی، ذیل مکاتب فلسفی هندو؛ گاه در جریانات و نهضت‌های دینی، همانند یاجینیالیکا (در نهضت اوپه‌نیشادها) و مهاتما گاندی، و گاه در دوره‌های مختلف این آئین و البته مواقعی هم به صورت منفرد و خارج از همه این عرصه‌ها شهرت یافته‌اند. به هر حال، بررسی آرا و افکار این افراد نیز در پی بردن به تعالیم این آئین بسیار مؤثر می‌باشد.

بی تردید، مهن داس گاندی، که مردم وی را مهاتما گاندی می‌خوانند، از برجسته‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در آئین هندوست. وی علاوه بر مبارزات خود در حوزه استقلال هند، تلاش فراوانی برای اصلاحات درون دینی هندو انجام داد. نمونه بارز این کار، در عرصه طبقات اجتماعی است. وی نام «چنداله» را از روی نجس‌ها برداشت و به جای آن اصطلاح «هریجن»، یعنی خلق خدا را به کار برد (موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

افزون بر شخصیت‌های مهم، گاه رفتار گروه‌ها و معلمان دینی و یا حتی افراد با ایمان به هندوئیسم، ملاک درستی و نادرستی رفتار هندوها می‌گردد و نوعی اعتبار و حجیت به آنها می‌دهد. نویسندگان کتاب اخلاق در شش دین جهان در این باره می‌نویسند:

پس چگونه می‌توان هندوئیسم را تعریف کرد و برای یک هندو چه رفتاری مناسب است و در قبال این موضوعات چه کسی حرف آخر را می‌زند؟ بررسی تفصیلی این موضوع بسیار با اهمیت است. مانو اسمریتی، که مهم‌ترین درماشاستره است، این منابع را مشخص می‌سازد: کل وده منبع اصلی درمه است، سپس مطالب اسمریتی و سلوک کسانی که به آن عالمند، بعد رفتار انسان‌های خوب و در نهایت وجدان هر کس (ورنر منسکی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

بنابراین، افراد هم در این آئین از اعتبار و حجیت برخوردارند و منبع معرفت دینی تلقی می‌گردند.

تحلیل و بررسی منابع حجیت در آئین هندو

اکنون و پس از بررسی اجمالی منابع معرفت دینی در آئین هندو، به قدر مجال مطالبی در بررسی آنها ارائه می‌گردد. ۱. اولین سؤال در باب حجیت این منابع، این است که این منابع اعتبار و حجیت خود را از کجا به دست آورده‌اند؟ به طور قطع، اگر منبعی بخواهد آموزه‌های یک دین و آئین را عرضه کند، باید برای اعتبار خویش، به منبعی بالاتر و معتبرتر استناد نماید و حجیت خویش را به آن منتسب نماید. اکنون سؤال این است که متون مقدس، اعتبارشان را از کجا به دست آورده‌اند؟ مکتب‌های فلسفی چطور؟ نهضت‌ها و مصلحان، به چه منبعی برای اعتبارشان تکیه کرده‌اند؟ در آئین هندو، تقریباً تمام منابع معرفی شده، فاقد این نوع اعتبار هستند. در جایی هم از تکیه به اعتبارشان سخن به میان نیامده است.

۲. وجود آموزه‌های مختلف و گاه متعارض و متناقض نیز در اعتبار این منابع تردید ایجاد کرده است. این تعارض‌ها و تناقض‌ها یا بین آموزه‌های گوناگون در منابع مختلف است و یا تعارض در داخل یک منبع. به عبارت دیگر، برای مثال در یکی از این منابع، وحدت وجود دیده می‌شود و در منبعی دیگر، شرک نوبتی. همچنین، گاه تعارض در یک منبع رخ می‌دهد. در جایی شرک، آموزه اصلی است و در جای دیگر همان منبع، وحدت وجود. خلاصه اینکه در این منابع، اختلافات چشمگیری دیده می‌شود که اعتبار آنها را خدشه‌دار می‌سازد.

۳. بی‌شک، اصلی‌ترین منبع حجیت در آئین هندو، متون مقدس آن آئین است. در میان متون مقدس نیز اصلی‌ترین متن، وده‌های چهارگانه. براین اساس، اصلی‌ترین منبع هندوئی، وده‌ها هستند. اما موضوع مهم این است که نویسنده یا نویسندگان وده‌ها، مشخص نمی‌باشد. هر چند گفته شده فرزانه‌گانی بوده‌اند که صداهای کیهانی را دریافت می‌کرده‌اند و به شکل موجود، آنها را در قالب وده‌ها قرار داده‌اند. سؤال این است که از کجا این افراد، به صداقت سخن گفته‌اند و مطالبی را از عالم واقع دریافت نموده‌اند و آنها را به دیگران منتقل نموده‌اند؟ در عالم کم نبوده و نیستند افراد دروغ‌گویی که برای منافع خود، چنین ادعاهایی داشته‌اند و عده زیادی را به گمراهی کشانده‌اند.

۴. وده‌ها، قرن‌ها به صورت سینه به سینه نقل شده‌اند. سپس، این مطالب منقول سینه به سینه، مکتوب گردیده است. سؤال این است که این مطالبی، که قرن‌ها نقل شده‌اند، به چه اعتباری می‌توان گفت همان مطالب اولیه

هستند که فرزندانگانشنیده‌اند؟ آیا مطالب شنیده شده، تا زمان کتابت، محفوظ مانده‌اند، یا خیر؟ این پرسش و تردید اعتبار وده‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و اعتماد به آنها را دشوار می‌سازد.

۵. زبان متون مقدس، یکی دیگر از نقاط حساس منابع آئین هندوست. اغلب متون مقدس، به زبان سنسکریت هستند که زبانی خاص و پیچیده است. این موضوع اولاً، دسترسی عموم مردم به این متون را دشوار ساخته و امکان تفسیر به رأی را در میان آنها افزایش داده است. وقتی یک متن معمولی را می‌توان با لحاظ امور مختلف، تفسیرها و ترجمه‌های گوناگون کرد، متون پیچیده‌ی سنسکریت هم همین‌گونه هستند. راه برای تفاسیر گوناگون آنها باز می‌شود و رسیدن به آنچه که این متون درصدد بیان آن بودند، گم و ناپیدا می‌گردد. بنابراین، آنچه که از این متون به دست می‌آید، ممکن است با آنچه که منظور و مقصود اولیه از آنهاست، متفاوت باشد. وجود این احتمال، اعتبار منابع را از بین می‌برد، یا دست‌کم کاهش می‌دهد.

۶. به نظر می‌رسد، منابع اعتبار و حجیت در آئین هندو، در طول تاریخ افزایش یافته و منبسط شده است. این سیال بودن، راه را برای اطمینان کامل به منابع از بین می‌برد؛ چراکه این احتمال وجود دارد که در آینده‌ای دور و یا نزدیک، منابع جدیدی یافت شوند که برخلاف منابع پیش‌تر، نظر داشته باشند و بدین لحاظ آنها را کم‌اعتبار گردانند. ویژگی آئین هندو در این است که اندک اندک، حتی برخی تفاسیر متون دینی، وارد منابع حجیت آنها شده، به شکلی خاص حوزه منابع معتبر آنها را گسترده‌تر می‌سازد؛ چیزی که در سایر ادیان کمتر شاهد آن هستیم.

۷. نادیده گرفتن اعتبار عقل و عقلانیت در منابع آئین هندو نیز موضوعی بسیار مهم است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تا زمانی که مکتب‌های فلسفی در آئین هندو شکل نگرفته بودند، این آئین با عقل و عقلانیت سازگاری نداشت. حتی با آمدن مکتب‌های فلسفی، که برای بسیاری از مباحث دینی استدلال‌های عقلی فراوانی آورده‌اند، هنوز هم در سطح عوام پیروان آئین هندو، چندان عقلانیت در منابع مورد حمایت قرار نمی‌گیرد و این موضع، نکته‌ای منفی در اعتبار منابع معرفت دینی در آئین هندوست.

نتیجه‌گیری

این نوشتار، به بررسی وثاقت منابع معرفت دینی در آئین هندو پرداخت. منابع حجیت در این آئین عبارتند از: متون مقدس، مکتب‌های فلسفی، نهضت‌ها و جریان‌ها تأثیرگذار و اندیشمندان و مصلحان. در بررسی و تحلیل این منابع، نکاتی راجع به مشکلات این منابع بیان شد که اعتبار آنها را به چالش کشیده است. مهم‌ترین مشکلات این منابع را می‌توان در پایه اعتبار این منابع دانست. همچنین، وجود آموزه‌های متعارض در این منابع، کار را در اعتماد به این منابع دشوار ساخته است. مشخص نبودن صاحبان و گیرندگان پیام در وده‌ها نیز به اعتبار آنها ضربه می‌زند. احتمال کذاب بودن آنها و نبود معیاری برای تعیین صادق و یا کاذب بودن آنها،

نقدی جدی بر آنهاست. زمان طولانی میان ارائه وده‌ها و مکتوب شدن آنها هم مشکل‌ساز است. به چه اعتباری باید گفت: آنچه مکتوب شده است، همانی است که فرزندگان گفته‌اند. راه یافتن تفاسیر گوناگون بر این متون، موضوع چالشی دیگر است که راه را برای رسیدن آنچه که منظور و مراد گویندگان است، دشوار می‌نماید. نادیده‌گرفتن عقل هم کار را برای منابع معرفت در آئین هندو پیچیده‌تر کرده است. البته، لازم به یادآوری است که بحث منابع حجیت در آئین‌ها و ادیان بسیار پیچیده است و مجال بررسی تفصیلی آنها همچنان باقی است.

منابع

- توکلی، طاهره، ۱۳۹۲، «جنبش‌های نوین دینی هند: برهمنو سماج و آریا سماج» *مطالعات تشبه قاره*، ش ۱۶، ص ۵۱-۷۰.
- ساتیش چندرا چاترجی، دریندراموهان داتا، ۱۳۹۳، معرفی مکتب‌های فلسفی هند، فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، ادیان و مذاهب.
- شایگان، داریوش، ۱۳۷۵، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، امیرکبیر.
- منسکی، ورنر و دیگران، ۱۳۷۸، اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمدحسین وقار، اطلاعات، تهران.
- موحیدیان عطار، علی و محمد علی رستمیان، ۱۳۸۶، *درسنامه ادیان شرقی*، طه و انجمن علمی ادیان و مذاهب، قم.
- موحیدیان عطار، علی، ۱۳۸۴، «متون دینی آئین هندو»، *هفت آسمان*، ش ۲۵، ص ۱۱۱-۱۴۴.
- هیوم، رابرت ا، ۱۳۸۲، *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ یازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- Bakhle, S.W, 1991., *Hinduism (Nature and Development)*, Sterling Publishers, India.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006a, "Aranyaka", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006b, "Brahmo Samaj", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006c, "Arya Samaj", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006d, "Dharmashastra", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006e, "Smriti", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006f, "Upanishads", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Constance A. Jones and James D. Ryan, J. Gordon Melton, Series Editor, 2006j, "Veda(s)", in: *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., An imprint of Infobase Publishing, New York.
- Cybell Shattuck, 1999, *Religions of the World: Hinduism*, Series Editor: Ninian Smart, Routledge, London.
- Doniger, Wendy, 2014, *On Hinduism*, New York, Oxford University Press.
- Laurie L. Patton, 2011, "Hindu R ituals on Behalf of Women: Notes on First Principles", in: *Woman and Goddess in Hinduism*, ed. By: Tracy Pintchman and Rita D. Sherma, Palgrave Macmillan, New York.
- Lochtefeld, James G. Ph.D., 2002a, "Smerti", in: *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, The Rosen Publishing Group, Inc., U. S. A.
- Lochtefeld, James G. Ph.D., 2002b, "Brahmana", in: *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, The Rosen Publishing Group, Inc., U. S. A.
- Lochtefeld, James G. Ph.D., 2002c, "Shruti", in: *The illustrated encyclopedia of Hinduism*, The Rosen Publishing Group, Inc., U. S. A.
- Saddars'Ana, 2008, *Encyclopedia of Hinduism*, Edited by Denise Cush, Catherine Robinson, Michael York, Routledge, New York.
- Shattuck, Cybelle, 1999, *Hinduism*, Routledge, London.
- Warrier, Maya, 2006, *Faith Guides for Higher Education: A Guide to Hinduism*, Published by the Subject Centre for Philosophical and Religious Studies, University of Leeds, uk.